

خبرایات

ورود عتیقه‌ها و غیرخودی‌ها ممنوع!



جواد طوسی

● این روزها سی‌وسومین دوره جشنواره فیلم کوتاه در محل «پردیس چارسو» در حال برگزاری است. اگر بگوییم جشنواره‌ای با این پیشینه و قدمت تاریخی برای برنده و خیلی‌ها چندان آشنا نیست، پربیره نگفته‌ام. آیا مشکل از ماست، یا دلیل اصلی را باید در کم‌کاری برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران دوره‌ای این‌گونه جشنواره‌ها جست‌وجو کنیم؟ به تجربه ثابت شده که جشنواره‌هایی از این دست یک حریم و حوزه استحفاظی مختص به خود دارند. از نگاه مدیران و افراد حاضر در اتاق فکر این جشنواره‌ها، گروهی خاص از اهالی سینما و منتقدان و خبرنگاران با آنها و ماهیت وجود جشنواره‌شان همسویی دارند. به‌همین‌خاطر، براساس تلقی و فرضیات و نقطه‌نظرهایشان می‌برند و می‌دوزند. در این چارچوب فکری و سلیقه‌ای و تصمیم‌گیری، عده‌ای محرم و خودی و دلسوز و کاربلد فیلم کوتاه و تجربی و مستند هستند و عده‌ای دیگر را با این نوع سینما کاری نیست. براساس این زاویه دید، انتخاب‌ها صورت می‌گیرد و داوران و مهمانان و منتقدان تعیین می‌شوند و بقیه این جماعت به‌عنوان اشخاصی که نسبتی با یا آثاری از این دست ندارند، در پایکوت کامل قرار می‌گیرند. به‌علاوه، تصور غلطی که وجود دارد این است که فیلم کوتاه مختص به نسل‌های جوان است و با این پیش‌زمینه ذهنی همه سیاست‌ها بنا می‌شود و انتخاب‌ها انجام می‌گیرد. قاعداً این نوع تصمیم‌گیری سلیقه‌ای و دسته‌بندی‌شده و نبود جذب رسانه‌ای حاکنثری در مجبورماندن این‌گونه جشنواره‌ها نقشی مؤثر دارد. بر همین اصل، ما با رویدادهایی سروکار داریم که چند روز از طول سال را در یک رابطه دولتی و حقوق‌گیریی به خود اختصاص می‌دهند و نقشی متحول و جریان‌ساز در گستره فرهنگی و هنری جامعه ندارند تا در یک مخاطب‌شناسی کلان و قاعده‌مند و متکثر قرار بگیرند. حتی اگر در موقعیت کنونی و براساس ظرفیت‌های موجود جشنواره فیلم کوتاه بخواهیم برگزاری این رویداد را محملی برای شکلیابی یک پاتوق فرهنگی بدانیم، باز راه و رسم درستش این است که از چنین فرصت مناسبی برای پیوند و هم‌نشینی و هم‌کلایی نسل‌ها استفاده کنیم. شناسایی دقیق و کارشناسانه اهالی سینما و رسانه جامعه منتقدان و دعوت همه‌جانبه از آنها و به‌بازی‌گرفتن هوشمندانه‌شان از طریق برگزاری جلسات نقد و بررسی و ورک‌شاپ و... می‌تواند پیشنهادی در تحقق این امر باشد؛ البته اگر حرفمان حساب باشد، ان‌شاءالله برای دوره‌های بعد و جشنواره‌های دیگری که در راهند، این خیلی بد است که در یک جامعه جداافتاده و پرسوءت‌فاهم (به دلایل عدیده)، مسئولان و مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی‌اش نیز هم‌رنگ جماعت شوند و بگویند «هرکس کار خودش، بار خودش، آتیش به انبار خودش!»

خبر

۱۰ نمایش خارجی در جشنواره کودک و نوجوان همدان

● شرق: به انتخاب شورای بین‌الملل جشنواره، ۱۰ نمایش از کشورهای آلمان، ایتالیا، استرالیا، آفریقای جنوبی، جمهوری چک، کره‌جنوبی و روسیه برای شرکت در بخش تئاتر بین‌الملل معرفی شدند.

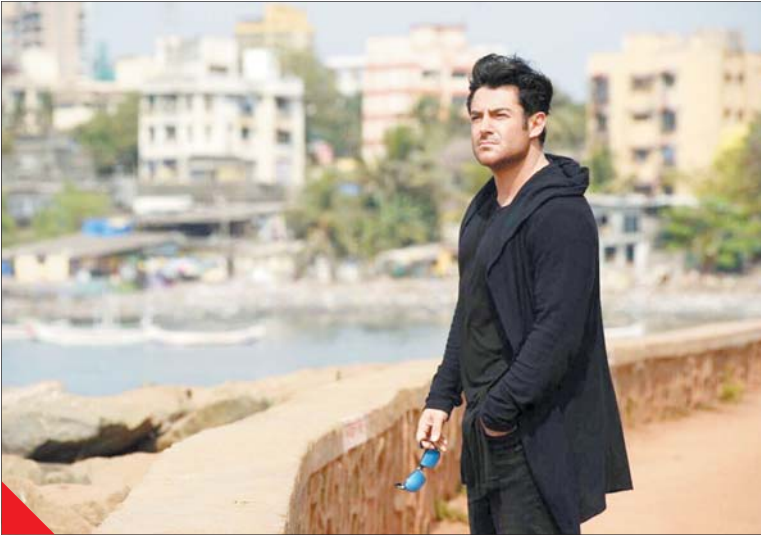
بیست‌وسومین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان با دبیری شهرام کریمی از ۲۱ تا ۲۷ آذرماه و با حضور هنرمندان و گروه‌های منتخب ایرانی و خارجی در شهر تاریخی همدان برگزار می‌شود.

شرق: مهابوی اکران فیلمی که تا مدتی دیگر در سینماهای ایران و هند به نمایش گذاشته خواهد شد و محصول مشترک این دو کشور نامیده می‌شود و البته خبرهایی مبنی‌بر اینکه مجید مجیدی تا مدتی دیگر ساخت فیلم جدیدش را در هند آغاز خواهد کرد و دیپیکا پادوکون، از بازیگران مطرح هند، مقابل دوربین او ایفای نقش خواهد کرد و نخستین فیلم انگلیسی‌زبان مجید مجیدی با نام «باغ‌های معلق» با چنین تجربه‌ای رقم خواهد خورد، بار دیگر توجهات بسیاری را متوجه همکاری مشترک سینمای ایران و هند کرده است، اما حقیقت این است که ریشه‌های این همکاری را می‌توان در سال‌های بسیار دور جست‌وجو کرد؛ زمانی که اردشیر ایرانی، از پارسیان مطرح هند و مدیر شرکت فیلم‌سازی امیرال، در سال ۱۹۳۱ نخستین فیلم بلند و ناطق سینمای هند را به نام «عالم‌آرا» کارگردانی کرد. اردشیر ایرانی به اهمیت صدا در سینما پی برده بود. این فیلم روز چهارم ماه مارس ۱۹۳۱ در سینما مجستیک شهر بمبئی برای نخستین‌بار نمایش داده شد. استقبال مردم از «عالم‌آرا» تا حدی زیاد بود که پلیس شهر در کنترل جمعیت تماشاگرانی که می‌خواستند فیلم را ببینند دخالت کرد. ایرانی در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) فیلم «دختر لر» را کارگردانی کرد که نخستین فیلم ناطق سینمای ایران است. فیلم‌نامه «دختر لر» و نقش اصلی آن به عبدالحسین سپنتا تعلق داشت. این فیلم در بمبئی به زبان فارسی تهیه شده بود و در سال ۱۳۱۲ در تهران روی پرده سینما رفت و با استقبال زیادی روبه‌رو شد. اردشیر ایرانی که از خانواده‌های زرتشتی مهاجرت‌کرده از ایران به هند بود، در کمپانی امیرال نخستین ستارگان را به سینما معرفی کرد از جمله محبوب‌خان و پرتویراج کاپور (پدر راج کاپور). هرچند که در سال‌های اخیر کمتر می‌توان به تعامل سینمای ایران و هند اشاره کرد، اما بدون شک ریشه‌های فرهنگی مشترک و البته تمایل سینماگران به تجربه‌هایی از این دست، هرازچندگاهی سروصدای رسانه‌ای ایجاد می‌کند.

هنر

نگاهی به همکاری‌های اخیر سینمای ایران و هند

اشتراکات فرهنگی یا تعاملات اقتصادی؟



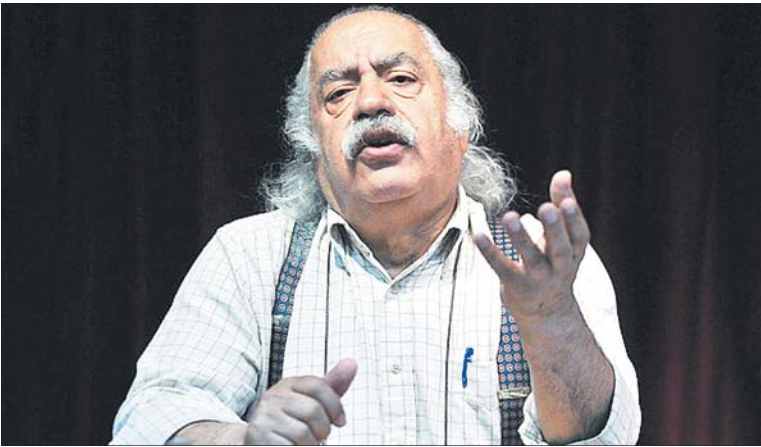
محمدرضا گلزار در صحنی از فیلم «سلام بمبئی»؛ عکس: ایران انتظام

نگاهی به تأثیرات سینمای هند

طهماسب صلح‌جو، از منتقدان سینما، در گفت‌وگو با «شرق» درباره چگونگی تأثیر سینمای هند بر سینمای ایران گفت: «به دلیل صنعت قوی سینمای هند، بسیاری از فیلم‌های ایرانی در هند ساخته شده است و البته در مقطعی بسیاری از فیلم‌های هندی در سینماهای ایران به نمایش گذاشته شد، شاید معروف‌ترین فیلم هندی‌ای که در ایران نمایش داده شد، «سنگام» بود که در اوایل دهه ۴۰ در ایران به نمایش گذاشته شد و استقبال از این فیلم حیرت‌انگیز بود؛ به‌طوری‌که این فیلم سال‌ها در ایران نمایش داده شد، حتی بازیگرانش فیلم، «راج کاپور»، برای افتتاحیه فیلم به ایران آمد و محصولات مشترک بسیاری نیز ساخته شد». او ادامه داد: «فیلم «همای سعادت» که قبل از انقلاب در ایران ساخته شد، هم از دیگر محصولات مشترک سینمای ایران و هند است، البته پیش از انقلاب بسیاری از فیلم‌های هندی در ایران اکران می‌شدند و استقبال خوبی از آنها صورت

گفت‌وگو با بهزاد فراهانی

معیار این روزهای تئاتر، گیشه است



کردیم تئاتر را باید شورایی اداره کرد، می‌فهمیدم که چه چیزهایی تاتار ما را تهدید می‌کند و امروز تئاتر ملی منکوب شده و درام‌نویسان خوبان نیز مهجور مانده‌اند. متأسفانه اینها تشویق هم نمی‌شوند. بنابراین علی‌کوچیکه یادآور ادبیات میهنی ماست و اگر ما از این کانال‌ها وارد تئاتر بشویم، داشته‌های خوبی خواهیم داشت. من چندان دل‌خوشی از تئاتر آبستره، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، موسیقی- تئاتر و مانند اینها ندارم. تئاتر خصوصی هم اصل و اساسش گیشه است و این هم حال تئاتر را بد می‌کند. انکار دوباره داریم به دوران پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گردیم که دیگر تئاتری نبود. این مرز تاریخ تئاتر ایران است که پیش از این موعد، استاد نوشین، استاد حالتی، استاد جعفری و بسیاری از بزرگان در ال‌ان‌ار تئاتر کار می‌کردند و از این موعد به‌بعد اتفاقات دیگری افتاد که بیشتر کاسب‌کارانه بود و گیشه پرایشان محور بود. برای همین بارها گفته بودیم دلیل این نگاه کاسب‌کاری هم در روزگار ما به مدیریت کلانی برمی‌گردد که نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند.

● چه راه‌حلی برای این مسئله ارائه کرده‌اید؟ ما در آغاز کاندیداتوری آقای روحانی از طرف خانه تئاتر اعلام کردیم که نیاز به سازمان تئاتر داریم و همه کردیم تئاتر را باید شورایی اداره کرد، می‌فهمیدم که چه چیزهایی تاتار ما را تهدید می‌کند و امروز تئاتر ملی منکوب شده و درام‌نویسان خوبان نیز مهجور مانده‌اند. متأسفانه اینها تشویق هم نمی‌شوند. بنابراین علی‌کوچیکه یادآور ادبیات میهنی ماست و اگر ما از این کانال‌ها وارد تئاتر بشویم، داشته‌های خوبی خواهیم داشت. من چندان دل‌خوشی از تئاتر آبستره، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، موسیقی- تئاتر و مانند اینها ندارم. تئاتر خصوصی هم اصل و اساسش گیشه است و این هم حال تئاتر را بد می‌کند. انکار دوباره داریم به دوران پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گردیم که دیگر تئاتری نبود. این مرز تاریخ تئاتر ایران است که پیش از این موعد، استاد نوشین، استاد حالتی، استاد جعفری و بسیاری از بزرگان در ال‌ان‌ار تئاتر کار می‌کردند و از این موعد به‌بعد اتفاقات دیگری افتاد که بیشتر کاسب‌کارانه بود و گیشه پرایشان محور بود. برای همین بارها گفته بودیم دلیل این نگاه کاسب‌کاری هم در روزگار ما به مدیریت کلانی برمی‌گردد که نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند.

● چه راه‌حلی برای این مسئله ارائه کرده‌اید؟ ما در آغاز کاندیداتوری آقای روحانی از طرف خانه تئاتر اعلام کردیم که نیاز به سازمان تئاتر داریم و همه کردیم تئاتر را باید شورایی اداره کرد، می‌فهمیدم که چه چیزهایی تاتار ما را تهدید می‌کند و امروز تئاتر ملی منکوب شده و درام‌نویسان خوبان نیز مهجور مانده‌اند. متأسفانه اینها تشویق هم نمی‌شوند. بنابراین علی‌کوچیکه یادآور ادبیات میهنی ماست و اگر ما از این کانال‌ها وارد تئاتر بشویم، داشته‌های خوبی خواهیم داشت. من چندان دل‌خوشی از تئاتر آبستره، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، موسیقی- تئاتر و مانند اینها ندارم. تئاتر خصوصی هم اصل و اساسش گیشه است و این هم حال تئاتر را بد می‌کند. انکار دوباره داریم به دوران پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گردیم که دیگر تئاتری نبود. این مرز تاریخ تئاتر ایران است که پیش از این موعد، استاد نوشین، استاد حالتی، استاد جعفری و بسیاری از بزرگان در ال‌ان‌ار تئاتر کار می‌کردند و از این موعد به‌بعد اتفاقات دیگری افتاد که بیشتر کاسب‌کارانه بود و گیشه پرایشان محور بود. برای همین بارها گفته بودیم دلیل این نگاه کاسب‌کاری هم در روزگار ما به مدیریت کلانی برمی‌گردد که نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند.

● چه راه‌حلی برای این مسئله ارائه کرده‌اید؟ ما در آغاز کاندیداتوری آقای روحانی از طرف خانه تئاتر اعلام کردیم که نیاز به سازمان تئاتر داریم و همه کردیم تئاتر را باید شورایی اداره کرد، می‌فهمیدم که چه چیزهایی تاتار ما را تهدید می‌کند و امروز تئاتر ملی منکوب شده و درام‌نویسان خوبان نیز مهجور مانده‌اند. متأسفانه اینها تشویق هم نمی‌شوند. بنابراین علی‌کوچیکه یادآور ادبیات میهنی ماست و اگر ما از این کانال‌ها وارد تئاتر بشویم، داشته‌های خوبی خواهیم داشت. من چندان دل‌خوشی از تئاتر آبستره، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، موسیقی- تئاتر و مانند اینها ندارم. تئاتر خصوصی هم اصل و اساسش گیشه است و این هم حال تئاتر را بد می‌کند. انکار دوباره داریم به دوران پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گردیم که دیگر تئاتری نبود. این مرز تاریخ تئاتر ایران است که پیش از این موعد، استاد نوشین، استاد حالتی، استاد جعفری و بسیاری از بزرگان در ال‌ان‌ار تئاتر کار می‌کردند و از این موعد به‌بعد اتفاقات دیگری افتاد که بیشتر کاسب‌کارانه بود و گیشه پرایشان محور بود. برای همین بارها گفته بودیم دلیل این نگاه کاسب‌کاری هم در روزگار ما به مدیریت کلانی برمی‌گردد که نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند.

● چه راه‌حلی برای این مسئله ارائه کرده‌اید؟ ما در آغاز کاندیداتوری آقای روحانی از طرف خانه تئاتر اعلام کردیم که نیاز به سازمان تئاتر داریم و همه کردیم تئاتر را باید شورایی اداره کرد، می‌فهمیدم که چه چیزهایی تاتار ما را تهدید می‌کند و امروز تئاتر ملی منکوب شده و درام‌نویسان خوبان نیز مهجور مانده‌اند. متأسفانه اینها تشویق هم نمی‌شوند. بنابراین علی‌کوچیکه یادآور ادبیات میهنی ماست و اگر ما از این کانال‌ها وارد تئاتر بشویم، داشته‌های خوبی خواهیم داشت. من چندان دل‌خوشی از تئاتر آبستره، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، موسیقی- تئاتر و مانند اینها ندارم. تئاتر خصوصی هم اصل و اساسش گیشه است و این هم حال تئاتر را بد می‌کند. انکار دوباره داریم به دوران پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گردیم که دیگر تئاتری نبود. این مرز تاریخ تئاتر ایران است که پیش از این موعد، استاد نوشین، استاد حالتی، استاد جعفری و بسیاری از بزرگان در ال‌ان‌ار تئاتر کار می‌کردند و از این موعد به‌بعد اتفاقات دیگری افتاد که بیشتر کاسب‌کارانه بود و گیشه پرایشان محور بود. برای همین بارها گفته بودیم دلیل این نگاه کاسب‌کاری هم در روزگار ما به مدیریت کلانی برمی‌گردد که نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند.

● چه راه‌حلی برای این مسئله ارائه کرده‌اید؟ ما در آغاز کاندیداتوری آقای روحانی از طرف خانه تئاتر اعلام کردیم که نیاز به سازمان تئاتر داریم و همه کردیم تئاتر را باید شورایی اداره کرد، می‌فهمیدم که چه چیزهایی تاتار ما را تهدید می‌کند و امروز تئاتر ملی منکوب شده و درام‌نویسان خوبان نیز مهجور مانده‌اند. متأسفانه اینها تشویق هم نمی‌شوند. بنابراین علی‌کوچیکه یادآور ادبیات میهنی ماست و اگر ما از این کانال‌ها وارد تئاتر بشویم، داشته‌های خوبی خواهیم داشت. من چندان دل‌خوشی از تئاتر آبستره، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، موسیقی- تئاتر و مانند اینها ندارم. تئاتر خصوصی هم اصل و اساسش گیشه است و این هم حال تئاتر را بد می‌کند. انکار دوباره داریم به دوران پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گردیم که دیگر تئاتری نبود. این مرز تاریخ تئاتر ایران است که پیش از این موعد، استاد نوشین، استاد حالتی، استاد جعفری و بسیاری از بزرگان در ال‌ان‌ار تئاتر کار می‌کردند و از این موعد به‌بعد اتفاقات دیگری افتاد که بیشتر کاسب‌کارانه بود و گیشه پرایشان محور بود. برای همین بارها گفته بودیم دلیل این نگاه کاسب‌کاری هم در روزگار ما به مدیریت کلانی برمی‌گردد که نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند.

● چه راه‌حلی برای این مسئله ارائه کرده‌اید؟ ما در آغاز کاندیداتوری آقای روحانی از طرف خانه تئاتر اعلام کردیم که نیاز به سازمان تئاتر داریم و همه کردیم تئاتر را باید شورایی اداره کرد، می‌فهمیدم که چه چیزهایی تاتار ما را تهدید می‌کند و امروز تئاتر ملی منکوب شده و درام‌نویسان خوبان نیز مهجور مانده‌اند. متأسفانه اینها تشویق هم نمی‌شوند. بنابراین علی‌کوچیکه یادآور ادبیات میهنی ماست و اگر ما از این کانال‌ها وارد تئاتر بشویم، داشته‌های خوبی خواهیم داشت. من چندان دل‌خوشی از تئاتر آبستره، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، موسیقی- تئاتر و مانند اینها ندارم. تئاتر خصوصی هم اصل و اساسش گیشه است و این هم حال تئاتر را بد می‌کند. انکار دوباره داریم به دوران پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گردیم که دیگر تئاتری نبود. این مرز تاریخ تئاتر ایران است که پیش از این موعد، استاد نوشین، استاد حالتی، استاد جعفری و بسیاری از بزرگان در ال‌ان‌ار تئاتر کار می‌کردند و از این موعد به‌بعد اتفاقات دیگری افتاد که بیشتر کاسب‌کارانه بود و گیشه پرایشان محور بود. برای همین بارها گفته بودیم دلیل این نگاه کاسب‌کاری هم در روزگار ما به مدیریت کلانی برمی‌گردد که نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند.

● چه راه‌حلی برای این مسئله ارائه کرده‌اید؟ ما در آغاز کاندیداتوری آقای روحانی از طرف خانه تئاتر اعلام کردیم که نیاز به سازمان تئاتر داریم و همه کردیم تئاتر را باید شورایی اداره کرد، می‌فهمیدم که چه چیزهایی تاتار ما را تهدید می‌کند و امروز تئاتر ملی منکوب شده و درام‌نویسان خوبان نیز مهجور مانده‌اند. متأسفانه اینها تشویق هم نمی‌شوند. بنابراین علی‌کوچیکه یادآور ادبیات میهنی ماست و اگر ما از این کانال‌ها وارد تئاتر بشویم، داشته‌های خوبی خواهیم داشت. من چندان دل‌خوشی از تئاتر آبستره، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، موسیقی- تئاتر و مانند اینها ندارم. تئاتر خصوصی هم اصل و اساسش گیشه است و این هم حال تئاتر را بد می‌کند. انکار دوباره داریم به دوران پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گردیم که دیگر تئاتری نبود. این مرز تاریخ تئاتر ایران است که پیش از این موعد، استاد نوشین، استاد حالتی، استاد جعفری و بسیاری از بزرگان در ال‌ان‌ار تئاتر کار می‌کردند و از این موعد به‌بعد اتفاقات دیگری افتاد که بیشتر کاسب‌کارانه بود و گیشه پرایشان محور بود. برای همین بارها گفته بودیم دلیل این نگاه کاسب‌کاری هم در روزگار ما به مدیریت کلانی برمی‌گردد که نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند.

از ایران، مصر، ترکیه و دیگر کشورهای این منطقه است و تأثیراتی روی یکدیگر داشته‌اند و از نظر من مناسبات فرهنگی این کشورها باعث شده است که فیلم‌هایی با حال‌وهوایی مشترک بسازند».

تعامل اقتصادی

سیروس الوند، از کارگردانان سینمای ایران، به وجه دیگری از تعامل سینمای ایران و هند اشاره می‌کند. او می‌گوید: «از سال‌های مجیدی دور مرادوات و تعامل ساخت محصول مشترک سینمایی بین سینمای ایران و هند وجود داشته است، اما بیشتر این مرادوات به‌خاطر پول بوده و خیلی ریشه فرهنگی نداشته است». او ادامه داد: «اخیرا تجربه‌هایی که محصول مشترک سینمای ایران و هند است تولید شده که به نظر من بحث اقتصادی و درآمدزایی نقش بیشتری در این همکاری داشته است و امیدوارم پروژه‌ای که آقای مجیدی به‌زودی آغاز خواهد کرد، باب فرهنگی همکاری این دو کشور را باز کند».

دهکده جهانی

سیدجمال ساداتیان، تهیه‌کننده نام‌آشنای سینمای ایران، درباره این موضوع به «شرق» گفت: «اینجا تنها درباره سینمای هند صحبت می‌شود، اما نکته اینجاست که چندسالی است واژه دهکده جهانی بیشتر استفاده می‌شود، آن‌هم به دلیل تعاملاتی است که تمام کشورها با یکدیگر برقرار کرده‌اند. قطعا در محصولات هنری که در سراسر جهان ساخته می‌شود، هنرمندانی از تمام ملیت‌ها در آن شریک و سهیم هستند و دیگر نمی‌توان مرزبندی‌های خاصی را قائل شد». او ادامه داد: «مبادلات فرهنگی و تکنولوژی، کشورها را به یکدیگر نزدیک می‌کند، اختصاصا در بحث هنر و البته نزدیکی دو کشور ایران و هند در تولید محصولات مشترک، گویای این موضوع است که از سالیان دور مرادوات هنری بین این کشور وجود داشته است و در سال‌های دور تکنیک قابل‌تامل سینمای هند باعث شد تأثیراتش را در سینمای ایران ببینیم و زمینه‌سازی‌های این تعامل فراهم شود. به نظر من باید از ایجاد این تعاملات خوشحال بود».

چهره روز

هشدار گلستان برای ارسال ۳۰ اثر هنری به اروپا



● لیلی گلستان درباره ارسال آثار موزه هنرهای معاصر به کشورهای دیگر گفت: «این یک رسم خوب است که در همه دنیا وجود دارد و آثار یک کشور در کشور دیگری به نمایش درمی‌آید، اما درباره ایران نمی‌دانیم پنهان‌کاری‌ها برای ارسال ۳۰ اثر جدید از موزه هنرهای معاصر برای چه چیزی است؟»

این گالری‌دار در گفت‌وگو با ایسنا ادامه داد: «ما زمانی متوجه شدیم که این آثار قرار است به کشوری دیگر برای نمایش برود که در عمل انجام‌شده قرار گرفته بودیم و متأسفانه هنوز هم نمی‌دانیم چه کارهایی برای نمایش در اروپا انتخاب شده‌اند!»

او با اشاره به اینکه ۳۰ اثر از بهترین کارهای گنجینه موزه قرار است به اروپا فرستاده شوند، اما نمی‌دانیم چه آثاری هستند، اظهار کرد: «اگر پیش از این، آقای سمیع‌آذر - مدیر سابق موزه هنرهای معاصر - قصد نمایش آثاری از گنجینه موزه را داشت، با مشورت یک‌سری از نقاش‌ها و گالری‌دارها دو یا سه اثر را انتخاب می‌کرد و می‌فرستاد، او درواقع هیچ‌کاری را بدون مشورت انجام نمی‌داد. او در چنین مواردی به همه اطلاع می‌داد و با مشورت و مشارکت چنین کارهایی را انجام می‌داد».

این مترجم گفت: «متأسفانه اکنون پنهان‌کاری می‌شود. ما تا امروز نمی‌دانیم چه آثاری قرار است بروند، چندبار پرسیده‌ایم که چه آثاری را می‌فرستید، اما جواب نداده‌اند. نمی‌دانم این پنهان‌کاری برای چیست. در این شرایط حق داریم به این قضیه مشکوک شویم، چون می‌تواند باعث اتفاقات بدی شود».

گلستان در پاسخ به این پرسش که در این زمینه تضمین بازگشت آثار چگونه است، چون مدیریت وقت موزه هنرهای معاصر این اعتقاد را داشت که براساس مناسبت جهانی امکان بروز این حرکت (برنگرداندن آثار) وجود ندارد و فایده و دستاوردی هم ندارد، توضیح داد: «یک دغدغه بزرگ در زمینه ارسال حدود ۳۰ اثر از موزه هنرهای معاصر به رُم این است که برخی از آثار موزه مصادره‌ای هستند؛ یعنی متعلق به خاندان پهلوی یا خاندانهایی بوده که پس از انقلاب از ایران رفته‌اند و خانه‌هایشان مصادره شده و آثار ارزشمند خانه‌های آنها به موزه وارد شده است. با انتقال این آثار به خارج از کشور، صاحب اصلی اثر می‌تواند حکم قضائی بگیرد و چیزی را که متعلق به خاندانش بوده، نزد خود نگه دارد و از نظر قانونی نیز حق اوست. بنابراین ایران نباید اجازه پیش‌آمدن چنین اتفاقی را بدهد».

وی بیان کرد: «به نظر می‌رسد مسئولان موزه به این موارد فکر نمی‌کنند و فقط می‌گویند چنین اتفاقی رخ نمی‌هد. ما باید قانونی نگاه کنیم و ببینیم این کار را می‌تواند انجام دهند یا خیر، چراکه یک اتفاق مهم است». این گالری‌دار معتقد است: «هیچ‌گاه برای هیچ نمایشگاهی ۳۰ اثر از یک موزه به خارج از کشور فرستاده نمی‌شود. ما در کشورهای دیگر، نمایشگاه‌های زیادی دیده‌ایم؛ به‌عنوان‌مثال کنار یک اثر نوشته شده است: «این اثر برای مدت یک‌ماه از فلان موزه به امانت گرفته شده است». آن موزه یک اثر را امانت داده است، درحالی‌که ما ۳۰ اثر، یعنی تمام ثروت هنری خود را می‌فرستیم، این اصلا کار درستی نیست».

او بیمه این آثار و نگهداری آنها در زمان سفر و برگزاری نمایشگاه در خارج از ایران را از موارد مهم دیگری دانست که باید در این نقل‌وانتقال‌ها مورد توجه باشند.

گلستان درباره اتفاقی که در دولت گذشته برای یک‌سری از آثار نفیس موزه ملی ایران افتاد که در قالب نمایشگاه «هفت‌هزار سال هنر ایران» با مصوبه مجلس به کشورهای مختلف فرستاده شد، گفت: «مسئولان موزه هنرهای معاصر معتقدند نیازی به مصوبه مجلس نیست، اما مجلس معتقد است باید آنها این مصوبه را بگیرند، حال مشخص نیست که در این زمینه، قانون چه می‌گوید چون دو نظر متفاوت وجود دارد».

برای خارج از کشور کار نمی‌کنم

او همچنین تأکید کرد: «من به‌عنوان یک گالری‌دار هرگز برای خارج از کشور کار نمی‌کنم و همه انرژی‌ام را برای ایران می‌گذارم». گلستان اضافه کرد: «خوشبختانه اکنون نمایشگاه‌های داخل کشور بسیار پررونق هستند و شاید علت آن، ایجاد آرامش بین مردم با روی‌کارآمدن دولت آقای روحانی باشد».